

کشورداری به سبک منفعلانه: هزینه فرصتی که پنهان می ماند

مقدمه

کشورداری را می توان عمل پیوند حکمرانی، اداره امور عمومی و فعالیت های عملیاتی روزمره در ساحت های مختلف یک کشور نامید که به هدف تأمین، حفظ و ارتقای زندگی مادی و معنوی مردمان آن کشور انجام می شود (Farazmand & Danaeefard, 2021a, Farazmand & Danaeefard, 2021b). زمامداران هر کشور از طریق تدوین خطمشی هایی، حکمرانی را با اداره امور عمومی گره می زنند. به عبارت دیگر حاکمان برای راهبری اندیشه ها، رفتارها و گفتارهای رعایای خود به سازوکارهایی به نام خطمشی عمومی متوسل می شوند که به طور کلی مجازها و غیر مجازهای رفتاری، گفتاری و اندیشه ای شهروندان، نهادها و سازمان های مختلف در سراسر جامعه را تعیین می کنند. این خطمشی ها به وسیله دستگاهی بنام نظام اداری یا اداره امور عمومی با همکاری سایر بخش های فعال در جامعه ملی و حتی بین المللی اجرا می شود. این خطمشی ها هم دارای ساحتی تنظیمی هستند (یعنی هر خطمشی در قالبی قانونی باید هویت پیدا کند) و هم ساحت عملی (مجموعه اقداماتی که نسبتاً هدفمند و ثابت، حل مسائل عمومی را نشانه می روند). نظام اداری با ابتنا بر ساحت تنظیمی خطمشی ها، ساحت عملی آنها را در میدان رقم می زند. برای تحقق این امر دست به تدوین انواعی از راهبردها می زند (یعنی به طور کلی منابع لازم را برای اجرای خطمشی ها به نحو مناسبی تخصیص می دهد) تا از قبل آنها بتواند خطمشی های عمومی را اجرا کند. هدف غایی از نظام اداری کمک به رقم خوردن انواع فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تار و پود جامعه است که ممکن است توسط نهادها و سازمان ها انجام شود یا به صورت شخصی توسط تک تک آحاد جامعه انجام شود. به عبارت دیگر هدف دستگاه حکمرانی و اداری کشور آن است که فعالیت های جزیی آحاد جامعه مطابق با اهداف و ارزش های

مصرح در قانون اساسی کشور انجام شود. مردم همان کنند که قانون اساسی تصریح کرده، همانطور بیندیشید که قانون اساسی متذکر شده است، آن طور سخن برانند که روح قانون اساسی القا می‌کند. پیش فرض اساسی این ادعا آن است که مردم کشور قانون اساسی را پذیرفته و به آن تعهد دارند. اما بایستی متذکر شد که میزان موفقیت امر کشورداری در گرو رویکردی است که حاکمان، دولتمردان و مدیران برای اعمال حکمرانی و مدیریت در پیش می‌گیرند، زیرا بعضاً در پیش گرفتن رویکردی نامناسب در کشورداری ممکن است منجر به «سرقت حکمرانی» یک کشور توسط دستگاه‌ها و نهادهای غیر شود که قانون اساسی کشور را قبول ندارند. در این صورت درحالی‌که بودجه عظیمی صرف طراحی دستگاه حکمرانی کشور می‌شود، ولی دیگرانی اندیشه‌ها، رفتارها و گفتارهای مردمان آن کشور را شکل می‌دهند و آنچه نصیب آن کشور می‌شود هدر دادن منابع است. به طور کلی سه رویکرد اصلی به کشورداری وجود دارد:

- ۱- رویکرد منفعلانه: بگذار مسئله رخ دهد فکری به حالش می‌کنیم.
- ۲- رویکرد فعالانه: نگذار مسئله‌ای رخ دهد که نتوانی آن را حل کنی.
- ۳- رویکرد بی‌تفاوت‌گونه: چشم‌ت را ببند امور خودش رتق و فتق خواهد شد.

دولت‌ها ممکن است در جنبه‌های مختلف کشورداری هر کدام از این سه رویکرد را به درجاتی در پیش بگیرند. هر چه کیفیت کشورداری ارتقا پیدا کند، ضمن کاهش میزان میل‌ها، از شکل‌گیری حیف‌ها که نسبت به میل‌ها ممکن است آسیب‌های جدی به حال و آینده کشور وارد کند، جلوگیری خواهد شد. بر این اساس بعضاً به طور همزمان سه رویکرد مختلف ممکن است در رفتار کشورداری حاکمان در کشورهای مختلف به کار گرفته شود. در این نوشته تمرکز بر فهم رویکرد منفعلانه به کشورداری، پیش‌آیندها و پس‌آیندهای آن است تا دلالت‌هایی برای کشورداری به سبک ایرانی را احصا کنیم.

فهم کشورداری به سبک منفعلانه

به طور کلی کشورداری منفعلانه اشاره به نوعی بسته حکمرانی، مدیریتی و عملیاتی ملی دارد که در کمین رخداد مسئله است تا قبل از تبدیل شدن به یک بحران آن را حل کند. به عبارت دیگر به جای پیش‌بینی مسئله و در پیش گرفتن اقدامات پیشگیرانه تصویری مسئولانه از حکومت ارائه می‌دهد که منتظر حل مسئله است. به سخن دیگر، اگر جسم کشور یا روح و روان کشور دچار عارضه‌ای شد آن وقت درمانگاهی برای درمان برپا می‌دارند. دستگاه تنظیم‌گری (تنظیم قوانین و مقررات) و اداری کشور منتظر آن است تا اختلاسی رخ دهد، تا عده‌ای جان

دهند، تا حرمتی شکسته شود، تا ازدواج سفید رواج پیدا کند، تا مدارک جعلی صادر شود، تا منابع مالی کشور در اختیار عده‌ای خاص قرار گیرد، تا دریاچه‌ها خشک شود، تا جنگل‌ها نابود شود، تا نخبگان مهاجرت کنند، تا آبروی انسان‌ها بر باد رود، تا ...، آن گاه قوانین و مقرراتی برای برخورد با مرتکبان این اعمال اقامه کنند. اجازه می‌دهد جسم کشور دچار سرطان شود ولی ممکن است غیرتمندانه و مسئولانه به درمان آن بپردازد. اما کشورداری به سبک پیش‌گیرانه نوعی از حکمرانی، مدیریت و عملیات را در پیش می‌گیرد که از وقوع مسئله‌ای پیشاپیش جلوگیری شود. به عبارت دیگر با اهتمام به ورزش، تغذیه مناسب و ... اجازه نمی‌دهد سرطان در جسم کشور لانه کند. در این رویکرد حاکمان، دولتمردان و مدیران با اتخاذ حکمرانی پیش‌گیرانه (تنظیم بهنگام خطمشی‌ها، مقررات و قواعد)، مدیریت پیش‌گیرانه (برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل پیش‌گیرانه) و انجام اقدامات عملی پیش‌گیرانه و آینده‌بینانه مانع ظهور و بروز مسائل مختلف در حوزه‌های مختلف کشور می‌شوند. بر این اساس کشورداری به سبک پیش‌گیرانه با تنظیم خطمشی‌ها و مقررات آینده‌نگرانه و پیش‌گیرانه اجازه نمی‌دهد «مسکن‌هایی تعبیه شوند که با کوچکترین زلزله‌ای بر سر ساکنانش آوار شود که بخواهد برای حل آن مقرراتی جدید تنظیم کند یا مرتکبان آن را به دار مجازات آویزان کند، «اجازه نمی‌دهد» در استان‌های کم آب صنایع آب برپا شود تا در موقع بحران کم آبی برای حفظ حرمت و وجهه کشور هزاران تانکر به آن استان‌ها اعزام کند و در معرض تبلیغات مسموم بیگانگان علیه کیان کشور قرار گیرد، «اجازه نمی‌دهد» دلالان مسکن، فولاد، سیمان و کیان حیات شهروندان را تهدید کنند تا بعدها بخواهد دست دلالان را از بازار مسکن، فولاد و سیمان قطع کند، «اجازه نمی‌دهد» کسانی ناموس اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امور اجتماعی کشور را بدست بگیرند سپس از دولت متخاصم درخواست برگرداندن اختلاس‌گر بدهد، «اجازه نمی‌دهد» به مراکز هسته‌ای کشور نفوذ کنند که بعداً بخواهند کیفیت ایمنی و امنیتی دستگاه‌های مسئول کشور را توجیه کنند، «اجازه نمی‌دهد» مراکزی تحت عنوان دانشگاه در هر شهر و روستا مانند قارچ‌های صحرائی سربرآورند، اعضای هیئت‌علمی جذب کنند، عده‌ای بکار گیرند، پس از کمبود دانشجو و صدور انواع مدرک جعلی و اعطای عالی‌ترین مدارک علمی بدون رعایت شرایط بخواهد با مسئله «کارمندان دارای مدرک دکتری» در سازمان‌های مختلف که به نظر به بزرگ‌ترین فاجعه عملکردی بخش دولتی تبدیل خواهد شد، برخورد حکمرانانه و مدیریتی کنند، «اجازه نمی‌دهد» مراکز تولید برق فرسوده و متولیان تولید آن به دولت بی‌اعتماد شوند، سپس صنایع را تعطیل کند، قیمت سیمان و فولاد نجومی شود سپس بخواهد مردم را به آرامش و صرفه‌جویی در مصرف دعوت کند و ...، «اجازه نمی‌دهد» تحریم‌های ظالمانه و غیر قانونی بر کشور اعمال شود که بعداً بخواهد میلیاردها دلار

صرف دور زدن تحریم‌ها کنند، و اجازه نمی‌دهد «عملکرد اقتصادی نامناسب کشور چنان ارزش‌ها و باورهای بنیادی مردمان را تحت تأثیر قرار دهد، سپس بخواهد مانع ازدواج سفید شود، گشت ارشاد راه بیندازد، سریال‌های ارزشی تولید کند» و

اگرچه نمی‌توان همه چیز را پیشاپیش پیش‌بینی کرد و وقوع برخی از رویدادها ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشد ولی می‌توان رویکرد پیش‌گیرانه در کشورداری را با توجه به توانمندی‌های فکری، مالی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر کشور ارزیابی کرد. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که در شکل‌گیری رویکرد منفعلانه در کشورداری عوامل متعددی ممکن است نقش داشته باشند که با توجه به بستر محیط بر فرآیند کشورداری می‌تواند متفاوت باشند.

عوامل شکل‌گیری کشورداری منفعلانه

عوامل متعددی در شکل‌گیری رویکرد منفعلانه به کشورداری نقش ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد «ناتوانی در تدوین خط‌مشی‌های ملی، قوانین و مقررات اثربخش» به علت فقدان ظرفیت خط‌مشی‌گذاری و مقررات‌گذاری در قوای سه‌گانه که می‌تواند ناشی از احتراز حاکمان و دولتمردان از بهره‌گیری از خزانه دانش عظیم خط‌مشی‌گذاری عمومی در سطح ملی و بین‌المللی باشد رویکرد منفعلانه را بر دستگاه حکومت دیکته می‌کند؛ بی‌میلی در بهره‌نگرفتن از دانش کشورداری، مملکت‌داری و حکمرانی می‌تواند یا ناشی از تصور واقعی یا برداشتی از عدم قابلیت کاربری آن دانش در حوزه حکمرانی و اداره امور عمومی کشور باشد، یا ناشی از «سردرگمی در کشورداری»، یا ناشی از «فشارهای بین‌المللی»، یا ناشی از «رویکرد ستاد انتخاباتی به انتخاب مدیران ملی و امتناع از نیروهای با اندیشه و نوآور در حکومت»، یا ناشی از «نزدیک‌بینی سیاسی که خود خردمایه نبود خط‌مشی‌ها و مقررات پایدار ملی است»، باشد.

کمتز کشوری است که وقتی انتخابات می‌خواهد برگزار شود سیل عظیم استادان دانشگاه و مدرک به دستان برای گرفتن پست‌های تخصصی و سیاسی حکومت وارد ستادهای انتخاباتی کاندیدا شوند و بی‌خبر از آن چه در گمرک می‌گذرد، ریاست گمرک را بر عهده گیرند، بی‌خبر از آموزش عالی، فناوری کرسی وزیر علوم را تصدی کند و نیروی انسانی برای رسیدن به مقام وزارت باید خاک سازمان دولتی بخورد، در شغل خود صاحب تجربه شوند نه صرفاً به اتکای سابقه کاری یا پست سیاسی مقام وزارت را تصاحب کند .

اگر کشوری تصور کند با راه‌اندازی دانشگاه‌های بازاری و همین‌طور دانشگاه‌های دستگاهی و اعطای مدارک دکتری (که خاص کارها و فعالیت‌های پژوهشی در مراکز علمی دانشگاهی است) می‌تواند کیفیت حکومت‌داری را ارتقا دهد سخت در خطا است؛ زیرا تجارب سایر کشورها نشان

داده است در هیچ کشوری رؤسای جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، مدیران کل دولتی، ورزشکاران، خوانندگان، هنرمندان، نظامیان، روحانیون کلیسا این قدر عاشق گرفتن مدرک نیستند زیرا بی‌تردید کسانی که با داشتن شغل دنبال کسب مدرک دکتری هستند لزوماً شغلی مناسب با سواد دکتری نخواهند یافت. سواد دکتری می‌تواند در تولید دانش مرتبط با خطمشی‌های ملی، ارائه مشاوره کارساز باشد ولی صرف داشتن مدرک دکتری تضمین کننده آن سواد نخواهد بود. ورود افراد ناآشنا به حکومت و حکومت‌داری و بستن راه ورود نیروهای برآمده خوب از بخش دولتی و اتکای صرف به آموزش‌های آکادمیک و بی‌اعتنایی به آموزش خاص دوران خدمت در بخش دولتی خزانه تولید دانش محلی بخش دولتی را پر از مجموعه‌ای از شعارهای بی‌خاصیت خواهد کرد. بی‌اعتنایی به دانش کشورداری به عنوان خزانه تولید خطمشی‌ها و مقررات ملی رویکرد کشورداری منفعلانه را در تار و پود حکومت رسوب خواهد داد .

تبعات رویکرد کشورداری منفعلانه

در پیش گرفتن رویکرد منفعلانه در کشورداری تبعات سنگینی در پیش خواهد داشت. این رویکرد به طور تدریجی جسم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را فرتوت و بی‌رمق خواهد کرد. در بعد اقتصادی منابع اصلی مصرف خواهد شد و آیندگان با خزانه خالی روبرو خواهند شد. در بعد سیاسی کشور دچار تحقیر سیاسی خواهد شد. در بعد فرهنگی میراث عظیم فرهنگی کشور به علت تصور ناکارآمدی نسبت به کشورهای دیگر مورد بی‌توجهی قرار خواهد گرفت و نوعی جایگزینی فرهنگی رخ خواهد داد طوری که پایبندی به فرهنگ خودی نشانه عقب ماندگی تصور خواهد شد. در بعد اجتماعی سبک‌های زندگی، سبک‌های تعاملی اجتماعی و حتی گفتارها توسط فضاهای اجتماعی بیرونی استحاله خواهد شد و روح امید در جامعه رخت برخواهد بست و تعلق خاطر به کشور کم‌رنگ خواهد شد. به طور خلاصه تبعات حکمرانی منفعلانه را می‌توان در چندین بند به شرح ذیل متذکر شد:

- از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
- قرار گرفتن کشور در کمین خطرات و تهدیدات نادیده گرفته شده
- متزلزل شدن پایه‌ها و مبانی فلسفه سیاسی عقبه حکمرانی ملی
- به سرقت رفتن حکمرانی ملی و هدر رفت منابع عظیم ملی
- هدایت اندیشه‌ها، رفتارها و گفتارهای مردم توسط غیر
- بی اعتبار شدن برند سیاسی کشور در منظومه جهانی کشورها
- تخریب اطمینان مردمی به آینده‌دار بودن حکمرانی کشور

- نامتوازن شدن آهنگ هم‌نوایی خط‌مشی‌های ملی
 - رقابتی شدن و شکل‌گیری تناقضات در فضای خط‌مشی‌های ملی
 - بهم ریختگی هارمونی بین مقررات مختلف کشور
- در ساحت مدیریتی کشور دستگاه اداری نیازمند به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل اجرای خط‌مشی‌های عمومی است. گفته می‌شود اگر ظرفیت نظام اداری کشور بالا باشد و اراده سیاسی قوی نیز اقامه شود خط‌مشی‌های ملی به صورت موفقیت‌آمیز اجرا خواهد شد در غیر این صورت اگر هر دو ضعیف باشند خط‌مشی‌های ملی رها خواهند شد و اگر صرفاً اراده سیاسی بر طبل کوبیده شود دچار شعارزدگی در اجرای خط‌مشی‌ها خواهیم شد و اگر اراده سیاسی ضعیف و نظام اداری ظرفیت بالایی نداشته باشد دچار هدر رفت منابع در اجرای خط‌مشی‌ها خواهیم شد. رویکرد منفعلانه در ساحت مدیریتی همه امیدها به اراده سیاسی را کمرنگ خواهد کرد و مدیریت منفعلانه در عمل نارضایتی و بی‌اعتمادی مردمی را در پی خواهد داشت .
- بنابراین، نظام اداری هر کشور مجری اصلی خط‌مشی‌های ملی در کنار سایر بخش‌ها (خصوصی، غیر دولتی، غیر انتفاعی) است. کلید پیشرفت هر کشور در دستان مجریان نظام اداری هر کشور است. رویکرد منفعلانه نظام اداری به اجرای خط‌مشی‌های بخش حکمرانی کشور تبعات غیر قابل جبرانی از جمله موارد ذیل در پیش خواهد داشت:
- برنامه‌ریزی‌های اجرای خط‌مشی‌های ملی اتقان لازم نخواهد داشت.
 - سازماندهی منابع اجرای خط‌مشی‌های ملی قابل اطمینان نخواهد بود.
 - هماهنگی بخش‌های مختلف برای اجرای خط‌مشی‌ها مخدوش خواهد شد.
 - نظام کنترلی میزان تحقق اهداف خط‌مشی‌های اجرایی وثیق نخواهد بود.
 - کیفیت خدمات عمومی لحظه به لحظه افت خواهد کرد.
 - نارضایتی مردمی نسبت به حکومت افزایش خواهد یافت.
 - حساسیت نسبت به بیت‌المال مردم در مدیران و کارگزاران کاهش خواهد یافت.
 - منابع ملی در پرتو رانت‌جویی عده‌ای خاص، فاصله طبقاتی را لحظه لحظه عمیق‌تر خواهد کرد.
 - انگیزه کار و شوق تلاش در نظام اداری کمرنگ خواهد شد.
 - متولیان مالیاتی نسبت به سرنوشت مالیات‌های خود مردد خواهند شد.

نتیجه‌گیری

کشورداری را علم، هنر، صنعت پیوند حکمرانی، مدیریت امور عمومی و فعالیت‌های عملیاتی کارگزاران حکومتی برای تحقق اهداف عالی‌ه مطرح در قانون اساسی تعریف کرده‌اند (Farazmand & Danaeefard, 2021a, Farazmand & Danaeefard, 2021b). بر این اساس در عصر تلاطم‌ها، بحران‌ها، تعارضات و درگیری‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شاهد «جنگ کشورداری» در سراسر عالم هستیم. همه کشورها برای تحقق منافع خود دست به تدوین خط‌مشی‌های ملی خاصی می‌زنند تا بتوانند از طریق خط‌مشی‌های خود نظام اداری را طوری سامان دهند که راهبردهای آن، انجام فعالیت‌های عملیاتی مختلف در ساحت‌های مختلف جامعه را ممکن و میسر سازند. رویکرد منفعلانه به کشورداری آینده هر کشوری را به مخاطره خواهد انداخت، آن کشور را در اذهان جهانیان بی‌اعتبار خواهد ساخت، مردمانش را بی‌هویت و اسیر فرهنگ‌های غیر خودی خواهد ساخت، روح امید و نشاط را در میان شهروندانش نابود خواهد کرد، پایه‌های تمدنی کشور را به لرزه در خواهد آورد، بنیه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور را کمرمق خواهد کرد، دلبستگی به حاکمان را مخدوش خواهد کرد، پایبندی به قانون اساسی و سایر قوانین مادر را صوری خواهد ساخت و اگر رویکرد انفعالی حاد شود طوری که حاکمان در حل مسائل ناتوان شوند و مسائل به بحران تبدیل شود حیات کشور به مخاطره خواهد افتاد، همان خواهد شد که در عراق، سوریه، لیبی و ... شاهد آنیم. رویکرد فعالانه به کشورداری مسائل را قبل از احتمال بروز از پا درمی‌آورد. برای مثال اجازه نمی‌دهد قیمت مسکن نجومی شود، بعد دنبال یافتن منابع برای اعطای وام شود، اجازه نمی‌دهد مسکن پردیس که با زمین دولتی برپا شده است به دست دلالان املاک بیفتد، سپس به فکر مسکن ملی بیفتد. اجازه نمی‌دهد کارکنان و کارگزاران دولت مدرک دکتری دریافت کنند و سپس به این فکر بیفتد که حالا باید کسانی که تاکنون کارمند بوده‌اند ولی در حال حاضر مدرک دکتری دارند و ادعای متناسب با مدرک دارند چکار کند، اجازه نمی‌دهد کشورهای همسایه دشمن شوند تا بعد به فکر ارتباط مجدد بیفتند؛ اجازه نمی‌دهد در شهرهای بی‌آب صنایع آب‌بر برپا دارند تا بعدها بخواند کل کشور را هزینه آبرسانی به آن شهر کند؛ اجازه نمی‌دهد معلمان بی‌کفایت وارد مدارس شوند تا بعد مدعی شود مافیای کنکور وجود دارد، غافل از این که آن مافیا بهتر از برخی از معلمان دولتی درس را تفهیم می‌کنند؛ اجازه نمی‌دهد بساط مدرک‌پراکنی دانشگاهی در شهرها و روستا پهن شوند و بعد تصمیم بگیرد با مدارک جعلی برخورد کند، با هیأت علمی فاقد دانشجو چه کار کند؛ اجازه نمی‌دهد هر کس و ناکسی از قیل ستاد انتخاباتی وارد حساس‌ترین مراکز تصمیم‌گیری دولتی شود و سپس از دولت متخاصم بخواند اختلاس‌گرها را به کشور تحویل دهد؛ اجازه نمی‌دهد کشاورزی آب‌بر در منطقه بی‌آب رواج یابد بعد به فکر

اعزام تانکر آب باشد تا مانع بحران آب شود؛ اجازه نمی‌دهد پرونده به شورای امنیت برود بعد به فکر خارج کردن پرونده از شورای امنیت باشد؛ اجازه نمی‌دهد تحریم شود و بعد میلیاردها دلار صرف دور زدن تحریم‌ها کند، حتی اگر دشمن قدر باشد و بی رحم؛ زیرا مجهز به دیپلماسی خردمندانه است؛ اجازه نمی‌دهد کیفیت زندگی مادی شهروندان مخدوش شود بعد به فکر توصیه درمانی بیفتد؛ اجازه نمی‌دهد عده‌ای از ارزش‌های پاک دینی برای منافع شخصی بهره ببرند و سپس به فکر پاسداری از ارزش‌های دینی بیفتد؛ اجازه نمی‌دهد فرهنگ بیگانه حاکم شود، بعد گشت ارشاد راه بیندازد، ماهواره‌ها را جمع کند، مانع ازدواج‌های سفید شود، با سگ‌گردانی برخورد کند، جوانان را به دین‌داری تشویق کند. اجازه نمی‌دهد ... با این اوصاف همه کشورها در برپایی کشورداری فعالانه دارای درجاتی از قوی تا ضعیف هستند. هیچ کشوری در همه قلمروها رویکرد فعالانه به کشورداری ندارد.

مآخذ

Farazmand, A., Danaeeafird, H. (2021a). Iranian government's responses to the coronavirus pandemic (COVID-19): An empirical analysis. *International Journal of Public Administration*, doi.org/10.1080/01900692.2021.1903926.

Farazmand, A., Danaeeafird, H. (2021b). Crisismanship under the most severe sanctions: Lessons learned from the Iranian government's responses to the COVID-19. *International Journal of Public Administration*, doi.org/10.1080/01900692.2021.1931315.

دکتر حسن دانائی‌فرد

۱۴۰۰/۰۶/۰۱